

اعلام انحلال پ.ک.ک.ا و یک مقایسه‌ی تاریخی میان سه جریان چریکی

الف- انحلال

۱. پ.ک.ک. در بستر تاریخی: از مبارزه‌ی مسلحانه تا سیاست دموکراتیک

پ.ک.ک. در سال ۱۹۷۸ تأسیس شد و از ۱۹۸۴ به‌طور رسمی جنگ چریکی علیه دولت ترکیه را آغاز کرد؛ در ابتدا با اهداف مارکسیستی — لنینیستی و خواست جدایی کامل کردستان. در طول دهه‌ها، این گروه مسیر تحول فکری و سیاسی چشمگیری را طی کرد: از تمرکز بر استقلال‌طلبی کلاسیک به پذیرش خودگردانی دموکراتیک و «کنفدرالیسم دموکراتیک» که در نوشته‌های عبدالله اوجلان (به‌ویژه پس از دستگیری‌اش در ۱۹۹۹) تبیین شد.

این تحول ایدئولوژیک، به‌ویژه پس از دهه‌ی ۲۰۰۰، موجب نزدیکی پ.ک.ک. به مفاهیم حقوق بشر، برابری جنسیتی، اکولوژی و دموکراسی مشارکتی شد. اوجلان در آثارش از مدل دولت - ملت فاصله گرفت و بر ضرورت ساختارهای غیرمتمرکز و چندقومیتی تأکید کرد.

۲. شکست روند صلح (۲۰۱۳-۲۰۱۵): فرصت از دست‌رفته و پیامدها

در سال ۲۰۱۳، گفتگوهای صلحی میان دولت اردوغان و اوجلان آغاز شد که به آتش‌بس انجامید. اما این فرآیند در سال ۲۰۱۵، در پی افزایش تنش‌های داخلی، درگیری‌های سوریه و بی‌اعتمادی متقابل، فروپاشید. دولت ترکیه با بازداشت گسترده‌ی اعضای HDP (حزب دموکراتیک خلق‌ها) و افزایش عملیات نظامی در جنوب شرق، عملاً سیاست سرکوب را جایگزین مصالحه کرد. این شکست، بسیاری از کردها را به این باور رساند که راه‌حل سیاسی در چارچوب ساختار دولت ترکیه دشوار است.

۳. جغرافیای مقاومت: کردستان سوریه، عراق و پیچیدگی منطقه‌ای

جنبش کردها در چهار کشور (ترکیه، ایران، عراق، سوریه) همواره با وابستگی متقابل و تأثیرات متقاطع عمل کرده است. نیروهای YPG در سوریه (شاخه‌ی نظامی جنبش کردهای سوریه با الهام‌پذیری از پ.ک.ک.) از ۲۰۱۴ به متحدان کلیدی ایالات متحده در جنگ با داعش بدل شدند و این مسئله توازن قوا در منطقه را به‌کلی تغییر داد. با ظهور «روژاوا» (خودگردانی شمال و شرق سوریه)، بخشی از ایده‌های نظری اوجلان — مانند دموکراسی پایگاهی، خودگردانی محلی، و فمینیسم — عملاً در مقیاس اجتماعی اجرا شد. اما ترکیه، که YPG را شاخه‌ی پ.ک.ک. می‌داند، بارها به این مناطق حمله کرده و در محاصره‌ی آن‌ها نقش داشته است.

۴. علل تصمیم پ.ک.ک. به انحلال در ۲۰۲۵: چند عامل کلیدی

- فشار ژئوپولیتیکی و خستگی استراتژیک: پس از چهار دهه جنگ فرسایشی، و با افول حمایت اجتماعی در برخی مناطق، ادامه‌ی مبارزه‌ی مسلحانه دیگر پاسخگوی شرایط جدید منطقه نبود.
- تحولات درونی و نقش اوجلان: اوجلان از ۲۰۱۳ تا کنون بارها خواستار گذار از جنگ به سیاست دموکراتیک شده بود. کنگره‌ی اخیر در شمال عراق نشان‌دهنده‌ی پذیرش عملی این مسیر توسط رهبری پ.ک.ک. است.
- چشم‌انداز سیاسی داخلی ترکیه: با تغییر ترکیب پارلمان و رشد احزاب کردی مانند حزب DEM، و نیز بحران‌های اقتصادی - سیاسی دولت اردوغان، فضای جدیدی برای طرح مطالبات کردها در عرصه‌ی رسمی ایجاد شده است.

۵. چشم‌انداز پیش‌رو: فرصت یا تهدید؟

تصمیم پ.ک.ک می‌تواند آغازی برای فصل تازه‌ای از سیاست در ترکیه باشد، مشروط بر اینکه دولت نیز گام‌هایی در جهت اصلاحات، آزادی زندانیان سیاسی، احیای زبان و فرهنگ کردی، و مشارکت دموکراتیک بردارد. در غیر این صورت، خطر بازتولید خشونت در قالب‌های تازه وجود خواهد داشت.

از سوی دیگر، تأثیر این تصمیم بر وضعیت YPG در سوریه و اقلیم کردستان عراق نیز باید با دقت دنبال شود، چرا که این مناطق ممکن است یا به سمت ادغام سیاسی - مدنی پیش بروند یا در صورت خلأ قدرت، دچار بی‌ثباتی شوند.

روی هم رفته تصمیم پ.ک.ک برای پایان مبارزه‌ی مسلحانه را می‌توان یکی از مهم‌ترین تحولات جنبش‌های کردی در چند دهه‌ی اخیر دانست. این تصمیم، در صورت بهره‌برداری سازنده، می‌تواند فضای تازه‌ای برای همزیستی، عدالت قومی و بازسازی اعتماد ملی در ترکیه و فراتر از آن فراهم کند. اما موفقیت این گذار، منوط به تغییر واقعی در سیاست دولت ترکیه و شکل‌گیری اراده‌ای جدی برای حل و فصل مسأله‌ی کردها به صورت دموکراتیک است.

ب-مقایسه‌ی تاریخی

مقایسه‌ای تطبیقی میان پ.ک.ک (PKK)، ارتش جمهوری‌خواه ایرلند (IRA)، و جنبش فارک (FARC) در

کلمبیا

در ادامه، مقایسه‌ای تطبیقی میان پ.ک.ک (PKK)، ارتش جمهوری‌خواه ایرلند (IRA)، و جنبش فارک (FARC) در کلمبیا ارائه می‌شود. این سه جنبش، علی‌رغم تفاوت‌های فرهنگی و جغرافیایی، در بسیاری از ابعاد تاریخی، استراتژیک و سیاسی، الگوهای قابل مقایسه‌ای از گذار از مبارزه‌ی مسلحانه به فرآیندهای سیاسی طی کرده‌اند.

در مه ۲۰۲۵، اعلام رسمی انحلال حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) پس از چهار دهه نبرد مسلحانه با دولت ترکیه، نقطه عطفی مهم در تاریخ معاصر خاورمیانه رقم زد. این تحول نه تنها بر وضعیت سیاسی و امنیتی ترکیه تأثیرگذار است، بلکه پیامدهای مهمی برای ژئوپلیتیک منطقه‌ای در سوریه و عراق نیز دارد. از منظر تاریخی، مطالعه‌ی این رخداد در قیاس با نمونه‌های مشابه جنبش‌های مسلحانه در قرن بیستم — از جمله ارتش جمهوری‌خواه ایرلند (IRA) و جنبش چپ‌گرای فارک (FARC) در کلمبیا — افق‌های آموزنده‌ای درباره‌ی امکان‌پذیری گذار از خشونت به سیاست پیش رو می‌گذارد. این مقاله تلاش می‌کند از زاویه‌ای تاریخی و تحلیلی، درس‌هایی از این سه تجربه بیرون بکشد و چشم‌اندازهای ممکن پیش‌روی مسئله‌ی کرد در ترکیه را ترسیم کند.

۱. زمینه‌های پیدایش: سرکوب، تبعیض، انسداد

پ.ک.ک، IRA و FARC هر سه محصول شرایط تاریخی خاصی‌اند که در آن‌ها اقلیت‌های قومی، دینی یا طبقاتی با انکار حقوق بنیادین، تبعیض ساختاری و حذف از فرایند تصمیم‌گیری سیاسی مواجه شدند. پ.ک.ک در واکنش به سیاست رسمی انکار هویت کردی در جمهوری ترکیه پس از ۱۹۲۳ ظهور کرد. IRA در زمینه‌ی استعمار بریتانیا و تبعیض مذهبی علیه کاتولیک‌ها در ایرلند شمالی شکل گرفت. فارک نیز واکنشی به نابرابری شدید طبقاتی و ساختارهای شبه‌فئودالی در کلمبیا بود. در هر سه مورد، بسته بودن راه‌های قانونی مشارکت سیاسی، زمینه‌ساز حرکت به سوی چریک‌گرایی و مبارزه‌ی مسلحانه شد.

۲. خاستگاه و ایدئولوژی

ایدئولوژی اولیه	خواسته اصلی	سال آغاز	گروه
مارکسیستی — لننیستی، بعدها «کنفدرالیسم دموکراتیک»	استقلال کردستان، سپس خودگردانی	۱۹۸۴	پ.ک.ک (ترکیه)
ملی‌گرایی ایرلندی، سوسیالیسم	اتحاد با جمهوری ایرلند، پایان سلطه بریتانیا (جدید)	۱۹۶۹ (مرحله)	IRA (ایرلند شمالی)
مارکسیستی - لننیستی، چپ چریکی	اصلاحات ارضی، عدالت اجتماعی	۱۹۶۴	FARC (کلمبیا)

هر سه گروه از زمینه‌هایی چون سرکوب قومی، ناپرابری اقتصادی و انحصار قدرت توسط دولت‌های مرکزی برخاسته‌اند. در تمامی موارد، ساختارهای دولتی مبتنی بر انکار یا حذف هویت‌های قومی/طبقه‌ای زمینه‌ساز خشونت شدند.

۳. صورت‌بندی مبارزه: چریک‌گرایی و هزینه‌های انسانی

اگرچه تاکتیک‌های این جنبش‌ها در بافت محلی خود متفاوت بودند (IRA در محیط شهری، پ.ک.ک و FARC عمدتاً در کوهستان‌ها)، اما شباهت آن‌ها در پیگیری جنگ فرسایشی، عملیات‌های چریکی و بعضاً حملات علیه غیرنظامیان قابل توجه است. نتیجه‌ی این الگو، تلفات انسانی گسترده، تشدید خشونت دولتی، گسترش فضای امنیتی، و کاهش مشروعیت اجتماعی جنبش‌ها در درازمدت بود. تجربه‌ی پ.ک.ک با بیش از ۴۰ هزار کشته و جابه‌جایی صدها هزار نفر یکی از پرهزینه‌ترین منازعات داخلی در خاورمیانه بوده است.

شیوه‌ی مبارزه	تلفات	سال‌های درگیری	گروه
جنگ چریکی، بمب‌گذاری، عملیات کوهستانی	بیش از ۴۰,۰۰۰ کشته	۱۹۸۴-۲۰۲۵	پ.ک.ک
بمب‌گذاری در مناطق شهری، ترور هدفمند	حدود ۳,۵۰۰ کشته	۱۹۶۹-۱۹۹۸	IRA
جنگل‌نشینی، گروگان‌گیری، حمله به روستاها	حدود ۲۲۰,۰۰۰ کشته	۱۹۶۴-۲۰۱۶	FARC

۳. مسیرهای گذار: صلح از بالا یا فروپاشی از درون؟

در حالی که گذار IRA و FARC به فرایندهایی پیچیده با حضور دولت، میانجی‌های بین‌المللی و نهادهای مدنی گره خورده بود، IRA و FARC هر دو فرآیند مذاکره‌ی رسمی و شفاف با حضور میانجی‌های بین‌المللی را پشت سر گذاشتند. انحلال پ.ک.ک در شرایطی رخ داده که دولت ترکیه هنوز رسماً در فرآیند صلح شرکت نکرده و فرآیند خلع سلاح به‌طور یک‌جانبه توسط خود سازمان آغاز شده است. پ.ک.ک بدون میانجی رسمی و در شرایطی مبهم تصمیم به انحلال گرفته که خطر سوءتفاهم، یا استفاده‌ی ابزاری از آن توسط دولت ترکیه را افزایش می‌دهد.

این تفاوت نشانگر یک خلأ نهادینه در چارچوب صلح است که می‌تواند در آینده مانع نهادینه‌شدن روندهای دموکراتیک و بازتولید بی‌اعتمادی شود.

گروه	آغاز مذاکرات رسمی	میانجی‌گری بین‌المللی	پایان رسمی فعالیت مسلحانه
پ.ک.ک	۲۰۱۳ (شکست)، ۲۰۲۵ (انحلال) یک‌جانبه	نه به‌طور رسمی	۲۰۲۵
IRA	۱۹۹۴ (آتش‌بس)، ۱۹۹۸ (توافق) گودفرایدی	ایالات متحده، اتحادیه اروپا	۲۰۰۵ (خلع سلاح رسمی)
FARC	۲۰۱۲	کوبا، نروژ، واتیکان	۲۰۱۶ (توافق صلح هاوانا)

۴. نقش رهبران تاریخی در فرآیند گذار: مرجعیت سیاسی و محدودیت‌ها

نقش رهبران در تسهیل گذار به صلح کلیدی بوده است. عبدالله اوجالان، همچون جری آدامز در ایرلند یا رودریگو لوندونو (تیموچنکو) در کلمبیا، رهبری سیاسی و فکری گذار را برعهده داشته است. طرح «کنفدرالیسم دموکراتیک» او بازتابی از تلاش برای عبور از پروژه‌ی دولت-ملت کردی به‌سوی دموکراسی رادیکال و محلی است. با این حال، محدودیت‌های ناشی از حبس بلندمدت اوجالان و فقدان ارتباط مستقیم او با عرصه‌ی عمومی، مانع از ایفای کامل نقش رهبری‌اش در مسیر گذار می‌شود.

گروه	رهبر کاریزماتیک	نقش در گذار	سرنوشت
پ.ک.ک	عبدالله اوجالان	معمار نظریه‌ی گذار به «سیاست دموکراتیک»	در زندان، اما همچنان مرجع فکری
IRA	مارتین مک‌گینس، جری آدامز	مذاکره‌کننده اصلی	وارد سیاست رسمی شدند
FARC	تیموچنکو، ایوان مارکز	رهبران مذاکره	برخی وارد سیاست، برخی بازگشت به جنگل

۵. نتایج سیاسی و اجتماعی پس از انحلال: آزمون دموکراسی در ترکیه

ترکیه اکنون در نقطه‌ی حساسی قرار دارد. اگر این انحلال به مشارکت سیاسی کردها در سطح ملی، تضمین حقوق فرهنگی و زبانی، و پایان نظامی‌سازی مناطق کردنشین منجر نشود، خطر بازگشت به منازعه همواره در کمین خواهد بود. تجربه‌ی صلح نیم‌پند کلمبیا پس از ۲۰۱۶ و تداوم خشونت علیه فعالان سابق فارک، یا بازگشت برخی نیروهای ناراضی به مبارزه‌ی مسلحانه، هشدارهایی برای وضعیت کنونی ترکیه است. برعکس، تجربه‌ی نسبتاً موفق ایرلند شمالی در گرو بازتعریف ساختار قدرت و شمول واقعی اقلیت‌ها بود.

چالش‌های باقی‌مانده	پیامدها	گروه
بی‌اعتمادی دولت، آینده‌ی YPG ، مسأله‌ی زندانیان سیاسی	فضای احتمالی برای توسعه‌ی سیاسی در ترکیه و کردستان	پ.ک.ک
تداوم تنش‌های هویتی، حملات پراکنده	مشارکت سیاسی در ساختار قدرت ایرلند شمالی	IRA
ترور رهبران سابق، بازگشت بخشی از نیروها به جنگل	تبدیل به حزب سیاسی، ادغام نسبی	FARC

در هر سه مورد، صلح پایان خشونت لزوماً به معنای تحقق عدالت تاریخی و مشارکت کامل سیاسی نبوده است. بدون اصلاحات ساختاری و تضمین حقوق اقلیت‌ها، صلح به راحتی شکننده می‌شود.

جمع‌بندی: ضرورت گذار ساختاری، نه صرفاً نظامی

انحلال پ.ک.ک، از منظر تاریخی، در امتداد مسیری مشابه با IRA و FARC قرار می‌گیرد: گذار از چریک به سیاست. اما نقطه‌ی تمایز آن در عدم وجود فرآیند صلح رسمی و نبود تضمین‌های نهادینه برای مشارکت کردها در ساختار قدرت است. آیا دولت ترکیه از این فرصت برای عبور از سیاست‌های «انکار و سرکوب» به‌سوی برابری واقعی بهره خواهد برد؟ یا با حذف فیزیکی دشمن، زمینه‌های سیاسی و فرهنگی اعتراض را نیز خواهد کوبید؟

انحلال پ.ک.ک اگرچه رخدادی مهم در سطح نظامی است، اما تا زمانی که گذار از خشونت به سیاست با دگرگونی در ساختارهای حقوقی، فرهنگی و سیاسی همراه نباشد، به صلحی پایدار منجر نخواهد شد. جنبش‌های شورایی و نیروهای دموکراتیک در ترکیه، منطقه و فراتر از آن، باید بر ضرورت این تحول ساختاری تأکید کنند. تجربه‌ی تاریخی به ما می‌آموزد که صلح تنها زمانی پایدار است که عدالت، آزادی و دموکراسی واقعی جایگزین انکار، سرکوب و امنیتی‌سازی شوند.

شوراها

۲۰۲۰/۰۵/۱۵

Shoura1398@gmail.com